

نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوگ

بدرقه میلیونی فرماندهان آسمانی

قوا، سرداران دره‌باغی، علی تاجیک، داوود عسگری، حسینی مطلق، بابائیان، هلالی و رضائیان و همچنین جمعی از مردم عزیز و خانواده‌هایی که توسط موشک‌های آمریکایی- صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند، روی دوش مردم تشییع شد.

سردار سپهبد پاسدار محمد پاکپور فرمانده کل شهید سپاه پاسداران، امیر دریابان علی شمخانی دبیر شهید شورای دفاع، امیر سرلشکر عزیز نصیرزاده وزیر شهید دفاع، سردار محمد شیرازی رئیس شهید دفتر نظامی فرماندهی معظم کل

روز گذشته در تهران پیکر فرماندهان شهید و شهدای مردمی جنگ تحمیلی آمریکایی- صهیونیستی با حضور میلیونی مردم تشییع شد. در مراسم دیروز پیکرهای مطهر امیر سپهبد سید عبدالرحیم موسوی، رئیس شهید ستادکل نیروهای مسلح،





چرا بریتانیا بیش از اروپا از جهش قیمت انرژی متاثر می‌شود؟

با تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و اختلال در انتقال انرژی از مسیر تنگه هرمز، قیمت گاز در بازارهای جهانی جهش یافته و بریتانیا به دلیل وابستگی بالای سیستم انرژی خود به گاز و ظرفیت محدود ذخیره‌سازی، از این شوک قرار گرفته است.

با تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، بریتانیا در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپایی با خطر بیشتری از افزایش تورم ناشی از جهش قیمت انرژی روبه‌رو شده است؛ آن هم در شرایطی که به نظرمی رسید روند رشد سریع قیمت‌ها در این کشور در حال فروکش کردن است.

رویترز در گزارشی نوشته است که هزینه استقراض دولت بریتانیا بیش از سایر کشورهای اروپایی و حتی ایالات متحده افزایش یافته و در همین حال سرمایه‌گذاران نیز انتظارات خود را کاهش نرخ بهره توسط بانک مرکزی انگلستان در سال جاری را کاهش داده‌اند. افزایش قیمت‌ها عمدتاً به دلیل توقف ارسال محموله‌های انرژی از مسیر تنگه هرمز و همچنین توقف تولید گاز طبیعی مایع در قطر رخ داده است. قطر حدود یک پنجم عرضه جهانی گاز طبیعی مایع را تأمین می‌کند. با وجود آنکه فقط حدود یک درصد از گاز مصرفی بریتانیا از قطر وارد می‌شود، این اختلال باعث جهش قیمت‌ها در بازار جهانی شده است.

در همین حال، قیمت عمده‌فروشی گاز در بریتانیا طی یک هفته حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است. وابستگی بالای سیستم انرژی این کشور به گاز نیز فشار قیمتی را تشدید می‌کند؛ به طوری که حدود ۳۰ درصد برق بریتانیا در نیروگاه‌های گازسوز تولید می‌شود. این در حالی است که سهم گاز در تولید برق در آلمان حدود ۱۷ درصد و در فرانسه فقط ۳ درصد است. افزون بر این، بیش از ۷۰ درصد خانه‌های بریتانیا برای گرمایش از گاز استفاده می‌کنند و در بازار برق این کشور نیز قیمت‌ها غالباً بر اساس هزینه تولید برق از گاز تعیین می‌شود. یکی دیگر از نقاط ضعف ساختار انرژی بریتانیا، ظرفیت پایین ذخیره‌سازی گاز است. تأسیسات ذخیره گاز این کشور فقط توان ذخیره‌سازی معادل حدود ۱۲ روز مصرف را دارند، در حالی که این رقم در آلمان حدود ۹۰ روز و در فرانسه بیش از ۱۰۰ روز است. برخلاف اتحادیه اروپا که پس از بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ اهداف مشخصی برای ذخیره‌سازی گاز تعیین کرد، بریتانیا چنین هدفی ندارد.

در این میان، یک معزن بزرگ ذخیره گاز در سواحل شمال انگلستان که متعلق به شرکت «استریکا» است و حدود نیمی از ظرفیت ذخیره‌سازی کشور را تشکیل می‌دهد، سال گذشته به دلیل غیراقتصادی بودن فعالیت آن متوقف شد. این شرکت اکنون امیدوار است دولت با ارائه حمایت مالی امکان انرسگیری فعالیت این تأسیسات را فراهم کند. با این حال، افزایش قیمت گاز در کوتاه‌مدت بلافاصله به قبض انرژی خانوارها منتقل نمی‌شود. در بریتانیا سقف قیمت انرژی توسط نهاد تنظیم‌گر بازار انرژی «اَکِم» هر سه ماه یک‌بار تعیین می‌شود. براساس برنامه فعلی، انتظار می‌رود قیمت‌ها در ماه آوریل کاهش یابد، زیرا دولت بخشی از عوارض انرژی را به مالیات عمومی منتقل کرده است. اما دوره محاسبه سقف قیمت برای سه‌ماهه آغاز شده از اول ژوئیه، از ۱۸ فوریه تا ۱۸ مه شامل می‌شود و بنابراین افزایش اخیر قیمت‌ها می‌تواند در محاسبات جدید لحاظ شود. برخی تحلیلگران احتمال افزایش حدود ۱۰ درصدی سقف قیمت انرژی را مطرح کرده‌اند. در حوزه کسب‌وکار نیز بسیاری از شرکت‌ها با استفاده از قراردادهای پوشش ریسک انرژی، در کوتاه‌مدت خود را در برابر افزایش قیمت‌ها محافظت کرده‌اند.

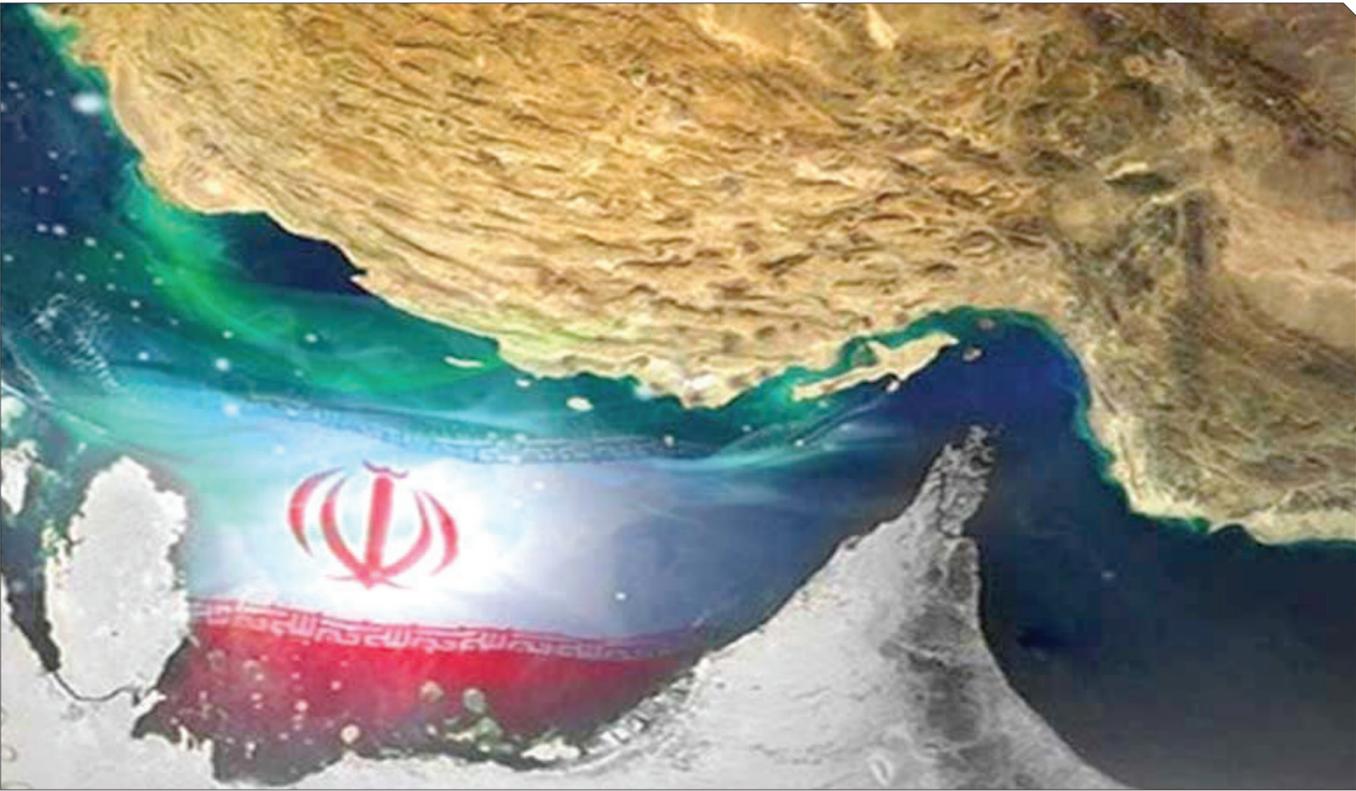
اقتصاددانان معتقدند اثر مستقیم این شوک انرژی بر تورم ممکن است در منطقه یورو کمی بیشتر از بریتانیا باشد، زیرا سهم انرژی در سبد تومی بریتانیا کمتر است. برآورد موسسه «اسکفورد اِکونومیکس» نشان می‌دهد اگر اختلال در کشتیرانی از تنگه هرمز تا دو ماه ادامه یابد، تورم در بریتانیا حدود ۰.۴ واحد درصد و در منطقه یورو حدود ۰.۵ واحد درصد افزایش خواهد یافت.

با این حال، در بلندمدت وضعیت بریتانیا می‌تواند پیچیده‌تر باشد. تورم در این کشور پس از رسیدن به ۱۱.۱ درصد در سال ۲۰۲۲ نسبت به سایر اقتصادهای اروپایی گنبدتر کاهش یافت و در ژانویه امسال همچنان در سطح ۳ درصد قرار داشت، در حالی که نرخ تورم در منطقه یورو ۱.۷ درصد بوده است. افزون بر این، انتظارات تومی بلندمدت در میان شهروندان بریتانیا هنوز بالاتر از سطح پیش از بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین است؛ موضوعی که خطر تثبیت افزایش قیمت‌ها و دست‌مزد‌ها در اقتصاد را در صورت تداوم شوک انرژی افزایش می‌دهد.

تحلیلگران همچنین هشدار می‌دهند که افزایش تورم می‌تواند قدرت خرید خانوارها را کاهش داده و رشد اقتصادی را ضعیف‌تر از پیش‌بینی‌ها کند. در چنین شرایطی هنوز مشخص نیست دولت بریتانیا و بانک مرکزی این کشور چه واکنشی نشان خواهند داد. اگر قیمت انرژی به سرعت کاهش یابد، احتمالاً نیاز به اقدامات گسترده نخواهد بود اما در صورت تداوم قیمت‌های بالا، فشارهای سیاستی بر دولت و بانک مرکزی افزایش خواهد یافت.

دولت محافظه‌کار پیشین بریتانیا در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ مجموعاً ۴۴ میلیارد پوند برای کاهش اثر افزایش قیمت انرژی بر خانوارها و کسب‌وکارها هزینه کرد. تکرار برنامه‌های مشابه می‌تواند اجرای برنامه‌های وزیر دارایی برای بهبود وضعیت مالی دولت را دشوار کند و نگرانی‌ها در بازار اوراق قرضه را افزایش دهد.

در همین حال، بانک مرکزی انگلستان احتمالاً روند کاهش نرخ بهره را گنبدتر خواهد کرد تا مشخص شود افزایش قیمت انرژی تا چه مدت ادامه خواهد داشت. در حال حاضر سرمایه‌گذاران احتمال کاهش ۰.۲۵ واحد درصدی نرخ بهره در سال جاری را حدود ۵۰ درصد ارزیابی می‌کنند؛ در حالی که هفته گذشته انتظار می‌رفت در مرحله کاهش نرخ بهره در سال ۲۰۲۴ رخ دهد.



قدرت‌نمایی ایران در اقتصاد جهان باتنگه هرمز

تنگه هرمز؛ گلوگاه ژئوپلیتیکی که از انرژی تا غذا را تحت تأثیر قرار می‌دهد

در فناوری‌های نوین کشاورزی باشد. در سال‌های اخیر برخی کشورهای خلیج فارس تلاش کرده‌اند با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند کشاورزی گلخانه‌ای، آب‌شیرین‌کن‌ها و تولید محصولات در محیط‌های کنترل‌شده، بخشی از وابستگی غذایی خود را کاهش دهند. با این حال، این اقدامات هنوز نتوانسته است وابستگی گسترده منطقه به واردات را به‌طور اساسی تغییر دهد.

از سوی دیگر، همکاری‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند در مدیریت بحران‌های احتمالی نقش مهمی ایفا کند. هماهنگی در استفاده از ذخایر غذایی، ایجاد شبکه‌های مشترک لجستیکی و توسعه مسیرهای جایگزین حمل‌ونقل از جمله اقداماتی است که می‌تواند تاب‌آوری منطقه را افزایش دهد.

امنیت غذایی؛ مسئله‌ای فراتر از مرزها

تحولات اخیر در دیگران واقعیت را برجسته کرده است که در دنیای به شدت به‌هم‌پیوسته امروز، امنیت غذایی کشورها به زیرساخت‌های تجارت جهانی وابسته است. مسیرهای دریایی، بنادر، شبکه‌های لجستیکی و روابط سیاسی همگی در شکل‌گیری این امنیت نقش دارند. برای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، وابستگی بالا به واردات غذا به این معناست که

ثبات ژئوپلیتیکی منطقه برای حفظ امنیت غذایی اهمیت حیاتی دارد. در مقابل، تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که نتوانسته‌اند ترکیبی از تولید داخلی، ذخایر راهبردی و تنوع در مسیرهای واردات را ایجاد کنند، در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر نبوده‌اند. به همین دلیل، بحران‌های احتمالی در مسیرهای حیاتی مانند تنگه هرمز نه فقط یک چالش امنیتی یا اقتصادی، بلکه آزمونی برای سیاست‌های بلندمدت امنیت غذایی در منطقه محسوب می‌شود؛ آزمونی که نتایج آن می‌تواند بر قیمت‌ها، ثبات بازارها و حتی معادلات سیاسی خاورمیانه تأثیر بگذارد.

این ذخایر تنها برای دوره‌ای محدود کارایی دارند و اگر اختلال در زنجیره تأمین طولانی شود، فشار بر بازارها افزایش خواهد یافت.

افزایش هزینه‌های لجستیک و فشار بر بازار مواد غذایی

یکی از نخستین پیامدهای هرگونه بحران در مسیرهای دریایی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل است. شرکت‌های کشتیرانی در شرایط ناامن یا پرریسک، هزینه بیمه و کرایه حمل را افزایش می‌دهند یا حتی مسیرهای خود را تغییر می‌دهند.

چنین تغییراتی می‌تواند زمان حمل کالا را طولانی‌تر و هزینه‌هایی آن را بیشتر کند. در مورد کالاهای غذایی، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا بسیاری از محصولات کشاورزی فاسدشدنی هستند و تأخیر در حمل می‌تواند به کاهش کیفیت یا افزایش ضایعات منجر شود.

از سوی دیگر، برخی کشورها ممکن است برای جلوگیری از کمبود کالا به واردات هوایی روی آورند؛ گزینه‌ای که چندین برابر حمل دریایی هزینه دارد و در مقیاس گسترده چندان مقرون به صرفه نیست. به همین دلیل، در شرایط بحرانی احتمال افزایش قیمت برخی مواد غذایی در بازارهای کره خورده است.

بحران‌های ژئوپلیتیکی در سال‌های اخیر نشان داده است که امنیت غذایی دیگر صرفاً یک موضوع کشاورزی نیست، بلکه به شدت با سیاست خارجی، امنیت انرژی و زیرساخت‌های لجستیکی کره خورده است.

کشورهایی که به واردات گسترده غذا وابسته هستند، ناگزیر باید برای مدیریت ریسک‌های ناشی از اختلال در تجارت جهانی برنامه‌ریزی کنند. این برنامه‌ریزی می‌تواند شامل تنوع بخشی به مسیرهای حمل‌ونقل، توسعه بنادر جایگزین، افزایش ذخایر راهبردی و حتی سرمایه‌گذاری

گذشته در حوزه سیاست‌گذاری کشاورزی اتخاذ شده است. برای مثال، برخی کشورها در دهه‌های گذشته تلاش کردند با اجرای پروژه‌های بزرگ کشاورزی در مناطق بیابانی تولید غلات را افزایش دهند اما فشار شدید بر منابع آب زیرزمینی و هزینه‌های بالای تولید باعث شد این سیاست‌ها به تدریج کنار گذاشته شود. در نتیجه، بسیاری از دولت‌های منطقه راهبرد خود را تغییر دادند و به جای تولید داخلی، بر واردات غذا و همچنین سرمایه‌گذاری در زمین‌های کشاورزی خارج از مرزها تمرکز کردند. این سیاست که گاهی با عنوان «کشاورزی برون‌مرزی» شناخته می‌شود، در کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات

و قطر دنبال شد. با وجود این، چنین رویکردی نیز چالش‌های خاص خود را دارد؛ زیرا حتی اگر تولید در کشورهای دیگر انجام شود، انتقال محصول به بازار مصرف همچنان به مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی وابسته است؛ مسیری که در مورد کشورهای خلیج فارس، تا حد زیادی از تنگه هرمز عبور می‌کند.

بنادر منطقه و وابستگی به تنگه هرمز

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف ساختار لجستیکی کشورهای عربی خلیج فارس، تمرکز بنادر اصلی آن‌ها در سواحل داخلی خلیج فارس است. بنادری که نقش کلیدی در واردات کالا دارند، برای دسترسی به اقیانوس هند و مسیرهای

تجارت جهانی ناگزیر از عبور از تنگه هرمز هستند. برای مثال، برخی از بزرگ‌ترین مراکز لجستیکی منطقه در امارات متحده عربی، کویت، قطر و بحرین در همین محدوده قرار دارند. این بنادر علاوه بر تأمین نیاز داخلی، در بسیاری از موارد به عنوان مراکز «صادرات مجده» نیز فعالیت می‌کنند و کالاها را به بازارهای دیگر منطقه ارسال می‌کنند.

در چنین شرایطی، هرگونه محدودیت در تردد کشتی‌ها می‌تواند به سرعت زنجیره تأمین کالا را مختل کند. حتی اختلال کوتاه‌مدت در فعالیت یک بندر بزرگ می‌تواند موجب افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، تأخیر در تحویل کالا و در نهایت افزایش قیمت‌ها در بازار مصرف شود. در کوتاه‌مدت، بسیاری از دولت‌های منطقه با ایجاد ذخایر راهبردی کالاهای اساسی تلاش کرده‌اند این ریسک را مدیریت کنند. ذخایری که معمولاً برای چند ماه مصرف طراحی شده‌اند و در شرایط بحران می‌توانند از بروز کمبود فوری جلوگیری کنند. با این حال، کارشناسان معتقدند

گزارش

تنش‌های ژئوپلیتیکی در خلیج فارس بار دیگر

نشان داده که اقتصاد کشورهای ثروتمند نفتی منطقه تا چه اندازه در برابر اختلال در زنجیره تأمین آسیب‌پذیر است. وابستگی گسترده کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به واردات غذا، در کنار تمرکز مسیرهای حمل‌ونقل در تنگه هرمز، سبب شده است هرگونه بحران امنیتی در این آبراه راهبردی، از بازار انرژی فراتر رفته و مستقیماً امنیت غذایی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

تنگه هرمز همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان شناخته شده است؛ مسیری که بخش قابل توجهی از صادرات نفت و گاز جهان از آن عبور می‌کند. با این حال، در سال‌های اخیر اهمیت این آبراه فقط به بازار انرژی محدود نبوده و نقش آن در زنجیره تأمین کالاهای

اساسی نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس طی دهه‌های گذشته به دلیل شرایط اقلیمی دشوار، محدودیت منابع آب و هزینه‌های بالای تولید کشاورزی، به تدریج از تولید داخلی بسیاری از محصولات غذایی فاصله گرفته‌اند و به سمت واردات گسترده حرکت کرده‌اند. نتیجه این روند، شکل‌گیری ساختاری اقتصادی است که در آن بخش بزرگی از نیاز غذایی از طریق تجارت جهانی تأمین می‌شود.

در چنین ساختاری، ثبات مسیرهای حمل‌ونقل دریایی اهمیت حیاتی پیدا می‌کند. هرگونه اختلال در تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز، نه فقط بازار انرژی بلکه جریان واردات کالاهای اساسی از جمله غلات، خوراک دام و مواد غذایی را نیز با مشکل مواجه می‌کند.

به همین دلیل، در شرایطی که تنش‌های منطقه‌ای افزایش می‌یابد یا خطر درگیری نظامی مطرح می‌شود، نگرانی درباره امنیت غذایی کشورهای عربی خلیج فارس نیز هم‌زمان شدت می‌گیرد.

اقتصادهای نفتی با وابستگی شدید غذایی

بررسی ساختار تجارت غذایی کشورهای خلیج فارس نشان می‌دهد که بسیاری از این کشورها بخش عمده‌ای از نیاز غذایی خود را از خارج تأمین می‌کنند. در برخی از این کشورها، سهم واردات در تأمین مواد غذایی به حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد می‌رسد.

این وابستگی بالا، پیامد تصمیماتی است که از دهه‌های



به دنبال بسته شدن تنگه هرمز من تردد نفتکش‌ها پس از جنگ آمریکا به اسرائیل علیه ایران، قیمت سوخت در آلمان به بالاترین سطح خود در ماه‌های اخیر رسیده است.

به گزارش خبرگزاری «تاس» از برلین، هر باک ۵۰ لیتری بنزین برای رانندگان آلمانی حدود ۶ تا ۹ یورو گران‌تر تمام می‌شود؛ موضوعی که نگرانی گسترده‌ای میان شهروندان و کارشناسان اقتصادی این کشور به وجود آورده است.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد افزایش قیمت انرژی در آلمان عمدتاً ناشی از رشد بهای جهانی نفت و نگرانی از اختلال در صادرات انرژی از خلیج فارس است. هم‌زمان، اتحادیه جایگاه‌داران سوخت آلمان اعلام کرده است که افزایش بهای عمده‌فروشی و هزینه‌های حمل‌ونقل تأثیر مستقیم بر قیمت نهایی در پمپ‌بنزین‌ها گذاشته است.

تحلیلگران می‌گویند در صورت تداوم درگیری‌ها در خاورمیانه و احتمال کاهش عرضه جهانی نفت، آلمان و سایر کشورهای اروپایی ممکن است با شوک جدیدی انرژی روبه‌رو شوند؛ بحرانی که یادآور سال ۲۰۲۲ و بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین است.

مطابق داده‌های مرکز آمار فدرال آلمان، میانگین قیمت هر لیتر بنزین در هفته دوم مارس نسبت به ماه گذشته بیش از ۱۲ درصد رشد نشان می‌دهد. دولت آلمان نیز در حال ارزیابی گزینه‌هایی برای کنترل پیامدهای تومی این افزایش قیمت‌هاست و احتمال دخالت موقت در بازار انرژی را منتفی ندانسته است. در همین حال، برخی کارشناسان هشدار می‌دهند که ادامه فشار قیمتی بر مصرف‌کنندگان می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد و موج جدیدی از اعتراضات را در آلمان به راه اندازد.

تنگه هرمز قیمت بنزین آلمان را به بیشترین سطح رساند



مدیریت بحران مانع از آسیب به معیشت مردم شد

گزارش

در حالی که تنش‌های نظامی و تهدیدهای خارجی بار دیگر فضای منطقه و کشور را متلاطم کرده است، بررسی میدانی از وضعیت اقتصاد کشور نشان می‌دهد که با وجود فشارهای ناشی از شرایط جنگی، زنجیره تولید و تأمین کالاها و خدمات اساسی همچنان فعال است. این وضعیت بیش از هر چیز نشان می‌دهد که مدیریت اقتصادی در دوران بحران، نقشی تعیین‌کننده در حفظ ثبات بازار و معیشت مردم دارد.

در ادبیات اقتصادی، جنگ یکی از بزرگ‌ترین شوک‌هایی است که می‌تواند ساختارهای اقتصادی یک کشور را تحت فشار قرار دهد. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که با آغاز درگیری‌های نظامی، نخستین بخش‌هایی که دچار تلاطم می‌شوند، بازارهای مالی، تجارت خارجی و زنجیره‌های تأمین هستند. در چنین شرایطی افزایش نااطمینانی، کاهش سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های تجاری و افزایش هزینه‌های دولت می‌تواند به سرعت اقتصاد را وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی کند.

با این حال تجربه اخیر کشور نشان می‌دهد که عبور از شرایط بحرانی لزوماً به معنای فروپاشی ساختارهای اقتصادی نیست. در شرایطی که منطقه با تنش‌های فرایند مواجه است و آمریکا و اسرائیل همواره تحرکات نظامی در ایران دارد، نشانه‌های میدانی از بازارها و واحدهای تولیدی حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی بدون وقفه ادامه یافته و زنجیره تولید در بسیاری از صنایع کلیدی همچنان فعال است.

اقتصاد در شرایط جنگی: نخستین میدان فشار

در هر جنگی، اقتصاد در خط مقدم فشارها قرار می‌گیرد. محدودیت در مبادلات تجاری، اختلال در مسیریهای حمل و نقل، افزایش هزینه‌های لجستیک و رشد هزینه‌های دفاعی دولت از جمله عواملی هستند که می‌توانند توازن اقتصادی را برهم بزنند. علاوه بر این، فضای روانی ناشی از بحران نیز خود عاملی مهم در ایجاد نوسانات اقتصادی است. افزایش انتظارات تورمی، نوسانات بازار ارز و احتکار برخی کالاها از جمله رفتارهایی است که معمولاً در فضای نااطمینانی

شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی حتی اگر از نظر واقعی کمبود جدی در عرضه کالا وجود نداشته باشد، صرف نگرانی عمومی می‌تواند موجب ایجاد فشار بر بازارها شود. از سوی دیگر، بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی در شرایط جنگی با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند. اختلال در تأمین مواد اولیه، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش دسترسی به بازارهای صادراتی می‌تواند ظرفیت تولید صنایع مختلف را کاهش دهد. در بخش خدمات نیز افت تقاضا و محدودیت‌های امنیتی ممکن است فعالیت اقتصادی را محدود کند.

با این حال تجربه اقتصادهای مختلف نشان داده است که اگر سیاست‌گذاری اقتصادی به موقع و هماهنگ باشد، می‌توان بخش مهمی از این شوک‌ها را مدیریت کرد و از تبدیل آنها به بحران‌های عمیق اقتصادی جلوگیری کرد.

مدیریت زنجیره تأمین؛ اولویت نخست در بحران

در مهم‌ترین اولویت‌های دولت‌ها حفظ جریان تأمین کالاها و خدمات اساسی است. غذا، دارو، سوخت و مواد اولیه تولید از جمله اقلامی هستند که هرگونه اختلال در عرضه آنها می‌تواند به سرعت به نارضایتی اجتماعی و فشار اقتصادی گسترده منجر شود.

به همین دلیل بسیاری از کشورها در چنین شرایطی به استفاده از ذخایر راهبردی و مدیریت دقیق شبکه توزیع روی می‌آورند. فعال نگه داشتن خطوط تولید، تسهیل حمل و نقل کالا و نظارت مستمر بر بازار از جمله اقداماتی است که می‌تواند از بروز کمبودهای ناگهانی جلوگیری کند.

در همین چارچوب، تداوم فعالیت واحدهای تولیدی اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر چرخ تولید متوقف شود، حتی ذخایر راهبردی نیز تنها برای مدت محدودی می‌توانند نیاز بازار را تأمین کنند. بنابراین سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، تسهیل تأمین مواد اولیه و جلوگیری از افزایش ناگهانی هزینه‌های تولید از جمله اقداماتی است که در شرایط بحران باید با جدیت دنبال شود. در واقع، حفظ پایداری زنجیره تولید نه فقط یک موضوع اقتصادی بلکه یک مسئله امنیت ملی محسوب می‌شود؛ زیرا ثبات بازار و دسترسی مردم به کالاها ضروری، نقش مهمی در حفظ آرامش اجتماعی دارد.

اقتصاد مقاوم؛ راهبرد عبور از شرایط بحرانی

یکی از مهم‌ترین درس‌های بحران‌های اقتصادی و جنگی، اهمیت تقویت توان داخلی اقتصاد است. کشورهایی که وابستگی بالایی به واردات کالاها و مواد اولیه دارند، در شرایط بحران با آسیب‌پذیری بیشتری مواجه می‌شوند.

به همین دلیل توسعه تولید داخلی در حوزه کالاها و خدمات استراتژیک یکی از راهبردهای کلیدی برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی به شمار می‌رود. تقویت

صنایع پایه، حمایت از کشاورزی و توسعه زنجیره‌های تولید داخلی می‌تواند وابستگی اقتصاد به خارج را کاهش دهد. در کنار این موضوع، ایجاد شبکه‌های اقتصادی محلی و منطقه‌ای نیز اهمیت دارد. توسعه سامانه‌های تولید و توزیع در سطح استان‌ها و مناطق مختلف می‌تواند از تمرکز بیش از حد زنجیره تأمین جلوگیری کند و انعطاف‌پذیری اقتصاد را افزایش دهد.

از سوی دیگر، مدیریت منابع انسانی نیز در چنین شرایطی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. استفاده بهینه از نیروی کار، هدایت ظرفیت‌های تولیدی به سمت نیازهای اولویت‌دار و تقویت همکاری میان بخش‌های مختلف اقتصادی می‌تواند کارایی اقتصاد در شرایط بحران را افزایش دهد.

در نهایت باید توجه داشت که مدیریت اقتصاد در شرایط جنگی صرفاً یک مسئله فنی یا اداری نیست؛ بلکه بخشی از راهبرد کلان پایداری ملی محسوب می‌شود. اقتصادی که بتواند در برابر فشارهای بیرونی مقاومت کند و جریان تولید و تأمین کالا را حفظ نماید، نه فقط از بروز بحران‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت خواهد کرد.

بر همین اساس، هماهنگی میان نهادهای اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و حتی بخش‌های دفاعی کشور در چنین شرایطی اهمیتی حیاتی دارد. تصمیم‌گیری سریع، مبتنی بر داده و همراه با انعطاف در سیاست‌گذاری می‌تواند به کشور کمک کند تا فشارهای ناشی از بحران را مدیریت کند.

در مجموع، تجربه اخیر نشان می‌دهد که اقتصاد در شرایط بحرانی می‌تواند به ستون فقرات پایداری کشور تبدیل شود. اگر مدیریت اقتصادی با رویکردی آینده‌نگر، مبتنی بر برنامه‌ریزی و هماهنگی نهادی پیش برود، حتی در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان ثبات نسبی بازار را حفظ کرد و مسیر تولید و تأمین نیازهای مردم را ادامه داد.

”

یکی از مهم‌ترین درس‌های بحران‌های اقتصادی و جنگی، اهمیت تقویت توان داخلی اقتصاد است. کشورهایی که وابستگی بالایی به واردات کالاها و مواد اولیه دارند، در شرایط بحران با آسیب‌پذیری بیشتری مواجه می‌شوند.

بحران در خاورمیانه قیمت جهانی زغال سنگ را هم افزایش داد

در بندر نیوکاسل استرالیا با ۱۱.۶ درصد افزایش به ۱۲۹.۶۲ دلار در هر تن برسد که بالاترین رقم ۱۴ ماه اخیر است. بازار اروپا نیز که امکان جایگزینی سوخت در نیروگاه‌هایش وجود دارد، شاهد افزایش ۱۴.۳ درصدی قیمت زغال سنگ صادراتی آفریقای جنوبی و رسیدن آن به ۱۱۳ دلار در هر تن بود. با این حال، کارشناسان معتقدند رشد قیمت زغال سنگ در مقایسه با گاز بسیار محدودتر بوده است. دلیل اصلی این موضوع، پایداری عرضه از سوی صادرکنندگان بزرگ مانند استرالیا، آفریقای جنوبی، اندونزی و کلمبیا است. از سوی دیگر، با وجود اینکه استفاده از زغال سنگ اکنون از نظر اقتصادی توجیه‌پذیرتر شده است، اما بسیاری از کشورها با محدودیت زیرساختی مواجه هستند. داده‌های پایگاه «گلوبال انرژی مانتیور» نشان می‌دهد که اروپا طی سال‌های اخیر بخش زیادی از ظرفیت نیروگاه‌های زغال سنگ خود را زده خارج کرده است.



زغال سنگ حرارتی با کیفیت استرالیا نشان دادند. همین امر باعث شد شاخص قیمت زغال سنگ

نیروگاه‌هایشان انعطاف‌پذیری بیشتری برای تغییر سوخت دارند، تمایل زیادی به استفاده از

ارزان‌تر مانند زغال سنگ سنسوک داد. در این میان، کشورهایی نظیر ژاپن و کره جنوبی که

بحران در خاورمیانه قیمت زغال سنگ را در بازارهای آسیا و اروپا به بالاترین سطح در ۱۴ ماه گذشته رساند.

در پی تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه که با اختلال در عبور و مرور انرژی از تنگه هرمز و توقف صادرات گاز همراه بود، موجب رشد قیمت برخی انواع زغال سنگ شده است.

حملات رژیم‌های تروریستی آمریکا و اسرائیل به خاک ایران، بازارهای جهانی را دچار اختلال شدیدی کرد و باعث شد قیمت گاز طبیعی مانع (LNG) در آسیای شرقی یک هفته بیش از دو برابر شود به طوری که قیمت این سوخت برای تحویل در شمال آسیا در هفته منتهی به ۶ مارس با جهش ۱۱۶ درصدی به رقم بی‌سابقه ۲۲.۵۰ دلار برای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا رسید که بالاترین رقم طی دو سال گذشته محسوب می‌شود.

این افزایش سرسام‌آور قیمت گاز، بسیاری از خریداران بزرگ را به سمت جایگزین‌های

اخبار



تنش در خاورمیانه، خطر رکود تورمی برای اقتصاد آمریکا را بالا برد

حمله اخیر رئیس‌جمهور آمریکا به ایران، خطرات اقتصادی آمریکا را از سطح بسیار بالا به فوق‌العاده افزایش داده و با افزایش قیمت انرژی، تورم بالاتر و بی‌ثباتی تجاری، اقتصاد این کشور را در معرض فشار شدید و رکود تورمی قرار داده است.

حمله اخیر رئیس‌جمهور آمریکا به ایران، خطرات اقتصادی پیش روی اقتصاد آمریکا را از «بسیار بالا» به «فوق‌العاده» افزایش داده است. این اقدام می‌تواند باعث افزایش شدید قیمت انرژی، اختلال در جریان تجارت جهانی و تنش‌های سیاسی بین‌المللی شود و فشارهای اقتصادی موجود را تشدید کند.

کارشناسان هشدار می‌دهند که خطر فوری، یک عقب‌نشینی ناگهانی و شدید در بازارهای مالی است. با توجه به ارزیابی بیش از حد سهام آمریکا، فشار تعرفه‌های دولت بر اقتصاد، چشم‌انداز مالی روبه‌وخامت و تورم پایدار، چنین اصلاحی دیر یا زود لازم بود. اکنون احتمال افزایش قیمت انرژی، اختلال در تجارت و تنش‌های سیاسی جهانی، ریسک‌ها را دوچندان کرده است.

اعداد جدید تورم نیز نشان‌دهنده وضعیت نگران‌کننده‌ای هستند. شاخص قیمت تولیدکننده اصلی (Core PPI) در ژانویه ۰.۸ درصد افزایش یافته و تورم اصلی هزینه مصرف‌کننده (Core PCE) در دوازده ماه منتهی به ۳ دسامبر ۲ درصد بوده است؛ رقمی که بالاتر از هدف ۲ درصد فدرال رزرو است. همچنین، موسسه مدیریت عرضه (ISM) اعلام کرده که قیمت مواد اولیه تولید با سریع‌ترین نرخ از سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

اگر افزایش قیمت انرژی ادامه یابد، بر تورم موجود افزوده شده و احتمال رکود تورمی را بالا می‌برد. قیمت انرژی هم‌زمان با شروع حملات به ایران افزایش یافته و تحلیلگران قیمت نفت بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه را پیش‌بینی می‌کنند، در حالی که پیش از این قیمت هر بشکه نفت ۶۵ دلار بود.

سناریوی خوش‌بینانه این است که اگر همه چیز به خوبی پیش رود و تهدید درگیری‌های آینده کاهش یافته و اعتماد به زیرساخت انرژی جهانی بازگردد. در این صورت، ممکن است قیمت نفت حتی از قیمت قبل کاهش یابد. اگر درگیری ادامه یابد و گسترده‌تر شود، زیرساخت‌های انرژی درگیر خواهد بود و تنگه هرمز بسته شود، رسیدن قیمت نفت به ۱۰۰ دلار نیز ممکن است خوش‌بینانه باشد.

افزایش طولانی مدت قیمت نفت می‌تواند منجر به رکود تورمی شود؛ ترکیبی از تورم بالا و رشد اقتصادی کند که فدرال رزرو توان مقابله با آن را ندارد.

گرچه آمریکا اکنون صادرکننده نفت است و کاهش رشد داخلی کمتر خواهد بود، اثر جهانی این شوک اقتصادی همچنان رکود تورمی است و تورم موجود را تشدید می‌کند.

از طرفی وضعیت مالی دولت آمریکا نیز نگران‌کننده است. حتی پیش از لغو تعرفه‌های متقابل توسط دیوان عالی، چشم‌انداز بدهی عمومی محدودیت‌ها را نشان می‌داد. کسری بودجه ۶ درصدی تولید ناخالص داخلی

رشد سریع بدهی عمومی، ظرفیت مالی دولت برای مقابله با شوک‌های اقتصادی را محدود می‌کند. شکست برنامه IEEPA دولت، سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای پیش‌بینی شده را کاهش داده است، رقمی معادل یا کمی بیش از آنچه افزایش یک درصدی نرخ مالیات بر درآمد کل جمعیت ایجاد می‌کند.

برای جبران کسری، ترامپ اعلام کرده است که تعرفه جهانی ۱۰ درصد (که به ۱۵ درصد افزایش می‌یابد) اعمال خواهد شد و همچنین تحقیقات جدیدی برای وضع مالیات‌های تازه آغاز خواهد شد. این اقدامات می‌تواند قراردادهای تجاری موجود با شرکای متعدد را به خطر اندازد.

تعرفه‌های Section ۱۲۲ بدون تصویب کنگره فقط به مدت ۱۵۰ روز معتبر هستند و احتمالاً غیرقانونی محسوب می‌شوند، زیرا دلیل ارائه شده توسط دولت برای اعمال آن‌ها به درستی اثبات نشده است. سایر اختیارات موجود نیز از نظر قانونی قابل تردید هستند، زیرا نیاز فوری برای اعمال آن‌ها به درستی ثابت نشده است.

کنگره نسبت به این سوءاستفاده‌های رئیس‌جمهور از قوانین تجاری تقریباً بی‌تفاوت است. با اعطای اختیارات محدود به کاخ سفید، اکنون فقط تماشاگر است و دیوان عالی وارد عمل شده است. شکست برنامه IEEPA، شکنندگی استراتژی تعرفه‌ها را نشان می‌دهد و تا زمانی که مالیات وارداتی قابل اعتماد نباشد و کنگره کنترل بودجه را جدی نگیرد، کسری درآمد و بی‌ثباتی اقتصادی ادامه خواهد یافت. در نهایت، ترکیب افزایش قیمت انرژی، تورم بالا، کسری بودجه و بی‌ثباتی تجاری، اقتصاد آمریکا را در معرض فشار شدید قرار داده است. کارشناسان معتقدند که اعتماد فعالان اقتصادی در این شرایط بار دیگر آزمایش می‌شود و حتی اقتصاد قدرتمند آمریکا نیز ممکن است نتواند چنین اختلالات گسترده‌ای را بدون آسیب تحمل کند. سیاست‌های تجاری و بودجه‌ای دولت ترامپ پیش از این هم با فاجعه مالی قمار کرده بودند و حالا با حملات به ایران، ریسک خود را دو برابر کرده‌اند.

اخبار



آیا انسداد تنگه هرمز موج تازه گرانی غذا را رقم می‌زند؟

افزایش تنش‌ها در اطراف تنگه هرمز بار دیگر این شاهراه حیاتی تجارت جهانی را در مرکز توجه اقتصاددانان و بازارهای بین‌المللی قرار داده است. اختلال در عبور کشتی‌ها از این آبراه استراتژیک فقط بازار انرژی را دچار شوک نکرده، بلکه زنجیره تأمین جهانی، تجارت کالا و حتی امنیت غذایی بسیاری از کشورها را نیز با تهدیدهای جدی روبه‌رو کرده است.

تنگه هرمز از دهه‌ها پیش به عنوان یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان شناخته می‌شود؛ آبراهی باریک اما فوق‌العاده راهبردی که خلیج فارس را به دریای عمان و سپس به اقیانوس هند متصل می‌کند. اهمیت این تنگه فقط به موقعیت جغرافیایی آن محدود نمی‌شود، بلکه به دلیل حجم عظیم تجارت انرژی و کالاهایی که از آن عبور می‌کند، به یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های اقتصاد جهانی تبدیل شده است.

در شرایطی که تنش‌های منطقه‌ای افزایش یافته و ایران در پاسخ به تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی مانع از تردد کشتی‌های آن‌ها از این آبراهه شده است، بازارهای جهانی به سرعت واکنش نشان داده‌اند. افزایش قیمت نفت، نگرانی شرکت‌های کشتیرانی از ریسک‌های امنیتی و توقف برخی کشتی‌ها در مسیرهای دریایی، نشانه‌هایی از تأثیر فوری این بحران بر اقتصاد جهانی است. اما واقعیت این است که پیامدهای چنین بحرانی فقط به بازار انرژی محدود نمی‌شود. اختلال در این مسیر دریایی می‌تواند زنجیره تأمین جهانی را دچار اختلال کند، هزینه‌های حمل‌ونقل را افزایش دهد و حتی قیمت مواد غذایی را در بسیاری از کشورها بالا ببرد. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند که بحران احتمالی در تنگه هرمز می‌تواند به یک شوک اقتصادی چندبعدی در سطح جهان تبدیل شود.

شاهراهی که بازار انرژی جهان به آن وابسته است

بخش قابل توجهی از صادرات نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق تنگه هرمز به بازارهای جهانی انجام می‌شود. کشورهای مانند عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات متحده عربی و قطر برای صادرات بخش بزرگی از منابع انرژی خود به این مسیر وابسته هستند و هرگونه اختلال در آن می‌تواند جریان عرضه انرژی به بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

بازار نفت به طور سنتی نسبت به تحولات ژئوپلیتیکی در این منطقه حساس است. حتی احتمالاً بروز ناامنی در مسیرهای کشتیرانی نیز می‌تواند باعث افزایش قیمت‌ها شود، زیرا معامله‌گران انرژی به سرعت ریسک‌های احتمالی را در قیمت‌ها لحاظ می‌کنند. در شرایط فعلی نیز افزایش تنش‌ها موجب شده است قیمت نفت در بازارهای جهانی روند صعودی به خود بگیرد. این افزایش قیمت نه فقط بر هزینه سوخت و انرژی در کشورهای مختلف اثر می‌گذارد، بلکه بر بسیاری از صنایع از حمل‌ونقل و تولید گرفته تا صنعت کشاورزی و تولید مواد غذایی نیز تأثیرگذار است. افزایش قیمت انرژی معمولاً یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تورم در اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. به همین دلیل هرگونه بحران در مسیرهای اصلی انتقال انرژی می‌تواند پیامدهایی فراتر از بازار نفت داشته باشد و بخش‌های مختلف اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

اختلال در تجارت جهانی و افزایش هزینه‌های لجستیکی

علاوه بر انرژی، تنگه هرمز نقش مهمی در جابه‌جایی کالاهای مصرفی و مواد اولیه در جهان دارد. بنادر بزرگ منطقه خلیج فارس در سال‌های اخیر به مراکز مهمی برای ترانزیت کالا تبدیل شده‌اند و بخش قابل توجهی از تجارت میان آسیا، اروپا و آفریقا از طریق این منطقه انجام می‌شود.

در چنین شرایطی، هرگونه اختلال در عبور کشتی‌ها از این مسیر می‌تواند زنجیره‌های تأمین جهانی را دچار مشکل کند. توقف کشتی‌ها یا تغییر مسیر آن‌ها به مسیرهای طولانی‌تر، هزینه حمل‌ونقل را افزایش می‌دهد و زمان تحویل کالاها را نیز طولانی‌تر می‌کند. افزایش هزینه‌های لجستیکی معمولاً به سرعت در قیمت کالاها منعکس می‌شود. تولیدکنندگان و واردکنندگان برای جبران هزینه‌های اضافی ناچار می‌شوند قیمت محصولات خود را افزایش دهند و این مسئله در نهایت به افزایش قیمت کالاها برای مصرف‌کنندگان منجر می‌شود. از سوی دیگر، برخی کالاها به‌ویژه مواد غذایی فاسدشدنی نسبت به تأخیر در حمل‌ونقل بسیار حساس هستند. توقف طولانی مدت کشتی‌ها در مسیرهای دریایی می‌تواند باعث از بین رفتن بخشی از این کالاها شود و همین مسئله نیز فشار بیشتری بر بازار مواد غذایی وارد می‌کند.

سایه بحران بر بازار جهانی غذا

یکی از پیامدهای مهم اما کمتر مورد توجه بحران‌های مرتبط با تنگه هرمز، تأثیر آن بر بازار جهانی نهاده‌های کشاورزی است. کشورهای حوزه خلیج فارس از تولیدکنندگان مهم برخی کودهای شیمیایی در جهان هستند و بخش بزرگی از صادرات این محصولات از طریق مسیرهای دریایی این منطقه انجام می‌شود.

کودهای شیمیایی به‌ویژه کودهای نیتروژنه نقش اساسی در افزایش بهره‌وری کشاورزی دارند و در بسیاری از کشورها سهم قابل توجهی از هزینه تولید محصولات کشاورزی را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل افزایش قیمت یا محدود شدن عرضه این نهاده‌ها می‌تواند مستقیماً بر قیمت محصولات غذایی اثر بگذارد. در صورتی که وضعیت موجود در مسیرهای حمل‌ونقل دریایی ادامه پیدا کند، احتمال افزایش قیمت کودهای شیمیایی و سایر نهاده‌های کشاورزی وجود دارد. این موضوع می‌تواند هزینه تولید محصولات اساسی مانند گندم، ذرت و برنج را افزایش دهد و در نهایت به رشد قیمت مواد غذایی در بازارهای جهانی منجر شود. برای بسیاری از کشورهای واردکننده مواد غذایی، چنین وضعیتی می‌تواند چالش‌های جدی اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند. افزایش قیمت جهانی غذا معمولاً بیشترین فشار را بر کشورهای در حال توسعه وارد می‌کند؛ کشورهای که وابستگی بیشتری به واردات محصولات کشاورزی دارند.



جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران؛ اختلال گسترده در اقتصاد و زنجیره تأمین جهانی

گزارش

جنگ میان ایالات متحده و اسرائیل با ایران، اقتصاد و زنجیره‌های تأمین جهانی را با اختلالی کم‌سابقه مواجه کرده است؛ به طوری که از لغو ده‌ها هزار پرواز و افزایش قیمت سوخت گرفته تا شفتگی در بازار فلزات، صنعت گردشگری و حمل‌ونقل کالا، تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند. جنگ میان ایالات متحده و اسرائیل با ایران، فعالیت کسب‌وکارها در سراسر جهان را با اختلال جدی روبه‌رو کرده است. این درگیری علاوه بر افزایش قیمت انرژی، زنجیره تأمین مواد خام حیاتی را تحت فشار قرار داده و درباره امنیت مسیرهای اصلی تجارت جهانی - که انتقال کالاهایی از مواد غذایی تا قطعات خودرو به آن‌ها وابسته است - نگرانی‌های تازه‌ای ایجاد کرده است.

آشفته‌گی در سفرهای هوایی

در پی تشدید درگیری‌ها، بخش بزرگی از حریم هوایی منطقه بسته شده و فرودگاه‌های دبی و دوحه، دو مرکز مهم ترانزیت هوایی جهان، با اختلال شدید روبه‌رو شده‌اند. در نتیجه ده‌ها هزار مسافر فرودان شده و شرکت‌های هواپیمایی ناچار به لغو حدود ۴۰ هزار پرواز شده‌اند؛ وضعیتی که بزرگ‌ترین اختلال صنعت سفر پس از زمان همه‌گیری کووید-۱۹ توصیف می‌شود. دولت‌ها در تلاش برای بازگرداندن شهروندان خود هستند و فرودگاه‌ها به تدریج فعالیت را از سر گرفته‌اند اما همچنان فقط با بخشی از ظرفیت عادی کار می‌کنند. در این میان برخی مسافران برای خروج از منطقه از جت‌های خصوصی استفاده کرده‌اند و برخی دیگر با سفرهای طولانی زمینی از طریق بیابان به ریاض در عربستان سعودی رفته‌اند تا از آنجا به مقصدهای خود پرواز کنند.

هم‌زمان کاهش ظرفیت حمل‌ونقل هوایی باعث شده محموله‌های مختلف از کالاهای تازه گرفته تا قطعات هواپیما، در فرودگاه‌ها متوقف شوند و نرخ حمل‌ونقل افزایش یابد.

فشار بر شرکت‌های هواپیمایی

فشار بر شرکت‌های هواپیمایی در شرایطی که سرعت شبکه پروازی شرکت‌های هواپیمایی را تحت تأثیر قرار داده و سهام این

صنعت را کاهش داده است. قیمت پرواز میان آسیا و اروپا به شدت افزایش یافته و برخی شرکت‌ها از جمله «ویزایر» و «لوفت هانزا» مسیرهای خود را تغییر داده‌اند. در همین حال «رایان ایر» از افزایش تقاضا برای پروازهای کوتاه‌برد در اروپا خبر داده است، زیرا بسیاری از مسافران برای تعطیلات عید پاک مقصدهای نزدیک‌تر را انتخاب می‌کنند. افزون بر این، قیمت سوخت جت - که پس از نیروی کار دومین هزینه بزرگ شرکت‌های هواپیمایی محسوب می‌شود - از زمان آغاز درگیری در برابر شده و فشار بیشتری بر شرکت‌ها وارد کرده است. تحلیلگران می‌گویند در صورت طولانی شدن جنگ، شرکت‌های هواپیمایی آمریکایی که از ابزارهای پوشش ریسک قیمت سوخت استفاده نمی‌کنند، ممکن است بیشترین آسیب را ببینند، در حالی که بسیاری از شرکت‌های اروپایی و آسیایی همچنان از این راهبرد استفاده می‌کنند.

از سوی دیگر، خلبانان نیز با شرایط خطرناک‌تری در آسمان مانند احتمال نفوذ پهپادها گرفته و محدود شدن مسیرهای پروازی در مناطق درگیر روبه‌رو شده‌اند.

فزر به صنعت گردشگری خاورمیانه

این بحران همچنین تصویر خاورمیانه به عنوان مقصدی امن و لوکس برای گردشگران را پس از میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر از ابوظبی تا دبی - یا چالش روبه‌رو کرده است. گردشگری در این منطقه سالانه حدود ۳۶۷ میلیارد دلار ارزش دارد. در عین حال، بحران کنونی نشان داده که حمل‌ونقل هوایی جهان تا چه اندازه به تعداد محدودی از مراکز ترانزیتی وابسته است که در رأس آن‌ها فرودگاه دبی، شلوغ‌ترین فرودگاه بین‌المللی جهان قرار دارد. در دبی و دیگر مراکز بزرگ خرید منطقه نیز بسیاری از فروشگاه‌ها در روزهای اخیر تعطیل بوده‌اند یا با حداقل کارکنان فعالیت کرده‌اند.

افزایش فعالیت در صنعت دفاعی

در جریان حملات به اهداف ایرانی، ایالات متحده از طیفی از تسلیحات از جمله موشک‌های کروز تا ماهواره، جنگنده‌های رادارگریز و برای نخستین بار در میدان نبرد از پهپادهای تهاجمی ارزان قیمت یک‌بارمصرف استفاده کرده است؛ پهپادهایی که گفته می‌شود از طراحی‌های ایرانی الهام گرفته‌اند. پنتاگون همچنین در این عملیات از خدمات هوش مصنوعی

شرکت «Anthropic» و ابزارهای «Claude» بهره گرفته است. با این حال وزارت دفاع آمریکا هفته گذشته این شرکت را «ریسک زنجیره تأمین» اعلام کرد و استفاده از فناوری آن را برای پیمانکاران نظامی ممنوع ساخت. این تصمیم پس از ماه‌ها اختلاف میان دو طرف گرفته شد. در همین راستا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ششم مارس با مدیوران هفت شرکت دفاعی دیدار کرد تا درباره تأمین دوباره ذخایر تسلیحاتی که در حملات اخیر مصرف شده‌اند گفت‌وگو کند.

اختلال در بازار فلزات و مواد اولیه

جنگ همچنین بر بازار مواد خام تأثیر گذاشته است. کارخانه ذوب آلومینیوم «فیتالوم» در قطر هفته گذشته فعالیت خود را کاهش داد و شرکت «آلومینیوم بحرین» اعلام کرد به دلیل ناتوانی در انتقال محموله‌ها از طریق تنگه هرمز، صادرات خود را متوقف کرده و وضعیت اضطراری اعلام کرده است.

منطقه خلیج فارس حدود ۸ درصد از عرضه جهانی آلومینیوم را تأمین می‌کند. پس از انتشار این خبر، قیمت آلومینیوم در بورس فلزات لندن افزایش قابل توجهی یافت و حق‌العمل‌های خرید در اروپا و آمریکا به بالاترین سطح چند سال اخیر رسید.

همچنین تولیدکنندگان نیکل در اندونزی که برای حدود ۷۵ درصد از کوگرد مورد نیاز خود به خاورمیانه وابسته‌اند، ممکن است به دلیل اختلال در حمل‌ونقل دریایی خلیج فارس ناچار به کاهش تولید شوند.

تأثیر بر صنعت پوشاک و کالاهای لوکس

کاهش پروازهای باری موجب شده محموله‌های پوشاک متعلق از پهپادهای تهاجمی ارزان قیمت یک‌بارمصرف استفاده کرده است؛ پهپادهایی که گفته می‌شود از طراحی‌های ایرانی الهام گرفته‌اند. پنتاگون همچنین در این عملیات از خدمات هوش مصنوعی

و هند متوقف شوند. جنوب آسیا یکی از قطب‌های اصلی تولید پوشاک جهان است و برنده‌های قد سریع برای تأمین مداوم محصولات خود به کارخانه‌های بنگلادش، هند و پاکستان وابسته‌اند.

این بحران همچنین فشار بیشتری بر صنعت کالاهای لوکس وارد کرده است؛ صنعتی که پیش از این نیز با کاهش تقاضا مواجه بود. شرکت‌هایی مانند «ریشمون» و «گتا» از جمله شرکت‌هایی هستند که بیش از دیگران در معرض پیامدهای این وضعیت قرار دارند.

نگرانی درباره صنعت تراشه و مراکز داده

مقامات کره جنوبی هشدار داده‌اند که ادامه درگیری می‌تواند تأمین برخی مواد کلیدی مورد نیاز در تولید نیمه‌هادی‌ها را مختل کند. یکی از مهم‌ترین این مواد هلیوم است که در تولید تراشه‌ها کاربرد حیاتی دارد و جایگزین عملی برای آن وجود ندارد.

شرکت آمازون در امارات متحده عربی و بحرین آسیب رسانده، پرسش‌هایی درباره امنیت زنجیره تأمین فناوری و روند گسترش زیرساخت‌های شرکت‌های بزرگ فناوری در منطقه مطرح کرده است.

در مجموع، گسترش درگیری در خاورمیانه اکنون فراتر از یک بحران امنیتی منطقه‌ای رفته و به عاملی برای بی‌ثباتی در اقتصاد جهانی تبدیل شده است. اختلال در حمل‌ونقل هوایی و دریایی، افزایش قیمت انرژی و مواد خام و فشار بر زنجیره‌های تأمین نشان می‌دهد که ادامه این جنگ می‌تواند پیامدهای عمیق‌تری برای تجارت جهانی و صنایع مختلف به همراه داشته باشد؛ موضوعی که بسیاری از دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی را وادار کرده است سناریوهای تازه‌ای برای مدیریت ریسک و تأمین کالا در ماه‌های آینده بررسی کنند.

سی‌ان‌ان: آزادسازی ذخایر راهبردی یک شوخی و اثر آن کوتاه‌مدت است

می‌شود و سپس قیمت نفت خام دوباره به سمت بالا حرکت خواهد کرد.» در حال حاضر، دولت کوهپایه‌ای اعلام کرده که هنوز تصمیمی برای استفاده از ذخایر راهبردی آمریکا نگرفته و کشورهای گروه هفت نیز در نشست اخیر خود، گزینه آزادسازی مشترک ذخایر را بررسی کردند اما هنوز اقدامی عملی انجام نداده‌اند. اما صرف انتشار چنین اخباری موجب شد تا قیمت نفت نسبت به روزهای گذشته به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد، هرچند به اعتقاد کارشناسان غربی کاهش قیمت نفت به شدت موقتی است و باید منتظر صعود دوباره باشیم.



آوردده «مگر اینکه تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز به‌زودی از سر گرفته شود و پایدار بماند، آزادسازی SPR تنها باعث یک مکث کوتاه

مسکن موقت عمل می‌کند، نه درمان ریشه‌ای بحران.» در گزارش‌های مرتبط، سی‌ان‌ان به نقل از باب مک‌نالی (رئیس گروه انرژی رپیدان) آزادسازی SPR تنها باعث یک مکث کوتاه

کارشناسان غربی انرژی تصمیم کشورهای گروه ۷ برای آزادسازی ذخایر نفتی راهبردی را بی‌اثر خواندند. به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری ستیم، شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی نوشت که در بصبوحه جنگ جاری آمریکا و اسرائیل با ایران و اختلال شدید در عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز، ایده آزادسازی ذخایر راهبردی نفت از سوی کشورهای مصرف‌کننده بزرگ انرژی، به عنوان راه‌حلی برای کنترل جهش قیمت نفت، با انتقادهای جدی مواجه شده است. کارشناسان انرژی و تحلیلگران بازار در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان تأکید کرده‌اند که چنین اقدامی پیش از یک «راه‌حل موقت و کوتاه‌مدت» نیست و نمی‌تواند بحران عمیق ناشی از توقف جریان حدود ۲۰ درصد نفت جهان از تنگه هرمز را برای مدت طولانی مدیریت کند. به نوشته سی‌ان‌ان،